

نشست سران گروه ۲۰؛ فرصتی برای نمایش موقعیت بین‌المللی چین

دکتر عبدالله قنبرلو*

اشاره:

گردهم‌آیی رهبران گروه ۲۰ در هانگژوی چین از زوایای مختلفی حائز اهمیت است. این اتفاق در حالی رخ داد که جهان چه به لحاظ اقتصادی و چه سیاسی و امنیتی با شرایط پیچیده و مبهمی مواجه است. به همین خاطر، موضوعات قابل بحث و بررسی در اجلاس نیز متنوع بود. موفقیت اجلاس بستگی به این دارد که تا چه حد زمینه‌ساز همکاری بین‌المللی برای حل و فصل مسائل جاری باشد. این نکته به طبع برای ایران نیز - به عنوان دولتی که خواسته‌ها و دغدغه‌های بین‌المللی زیادی دارد - بسیار مهم است.

مقدمه

شهر هانگژوی چین در روزهای چهارم و پنجم سپتامبر ۲۰۱۶ (۱۴ و ۱۵ شهریور) میزبان رهبران گروه ۲۰- نوزده کشور دارای اقتصاد قدرتمند یا در حال ظهور به علاوه اتحادیه اروپا- بود که برای بررسی و تشریک مساعی در مورد مسائل جاری پیش روی اقتصاد جهان گردهم آمده بودند. گروه ۲۰ که بعضاً از آن به عنوان جایگزین گروه ۷ یاد می‌شود، متشکل از کشورهای است که در مجموع حدود ۸۵ درصد تولید ناخالص ملی، ۸۰ درصد تجارت جهانی و دو سوم جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند. اما برخلاف گروه ۷ که اقتصادهای صنعتی با خط‌مشی‌های بین‌المللی نسبتاً هماهنگ را نمایندگی می‌کند، سطح انسجام و هماهنگی در درون گروه ۲۰ به مراتب پایین است. از

این رو، قابل پیش‌بینی است که این شکل ظرفیت ایجاد یک جبهه بین‌المللی مستحکم برای سامان‌دهی به مسائل جهانی جاری را ندارد، هرچند که گفته می‌شود نشست گروه ۲۰ اساساً به دنبال تشکیل چنین جبهه‌ای نیست، بلکه می‌خواهد سطح تفاهم میان اعضا را بهبود ببخشد. این شکل بین‌المللی به‌طور عمده در زمان‌هایی اهمیت خود را نشان داده که در واکنش به یک یا چند معضل اقتصادی بین‌المللی تشکیل شده است. در مواقع عادی و آرام معمولاً جایگاه گروه ۷ مهم‌تر به نظر می‌آید.

نشست اخیر گروه ۲۰ در حالی تشکیل شد که جهان با بحران‌ها و مسائل متنوعی از جمله تشدید جنگ داخلی سوریه، بحران پناهجویان، ادامه بی‌ثباتی و بلا تکلیفی در اوکراین، افزایش نشانه‌های اختلاف بر سر دریای چین جنوبی، کندشدن رشد اقتصادهای بریکس، تقویت تمایلات حمایت‌گرانه در اقتصادهای غربی و کاهش قابل توجه رشد تجارت جهانی مواجه است. بدیهی است بسیاری از مسائل جاری حائز ویژگی‌هایی هستند که رسیدگی به آنها خارج از توان این گروه است. به همین دلیل، در حواشی نشست اصلی، جلسات و گفتگوهای پراکنده‌ای که بیشتر به شکل دوجانبه بودند، میان اعضا صورت گرفت و چه

بسا نشست‌های حاشیه‌ای گروه آثار جدی‌تر و مؤثرتری در حل و فصل مسائل جاری بر جا بگذارد.

آنچه به «اجماع هانگژو» معروف شد، از کلیه اعضای گروه می‌خواهد در استراتژی‌های اقتصادی خویش روی اصل رشد اقتصادی شمول‌گراتر از طریق سیاست‌های ماکرواکنونومیک هماهنگ، تجارت آزاد و نوآوری تکیه کنند.

هانگژو» معروف شد، از کلیه اعضای گروه می‌خواهد در استراتژی‌های اقتصادی شمول‌گراتر روی اصل رشد اقتصادی شمول‌گراتر از طریق سیاست‌های ماکرواکنونومیک هماهنگ، تجارت آزاد و نوآوری تکیه کنند. شرکت‌کنندگان ضمن اشاره به اینکه رویدادهایی چون خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند بر ثبات اقتصادی جهان اثر منفی بگذارد، خواستار مهار تمایلات حمایت‌گرایانه و ملی‌گرایانه در سیاست‌های اقتصادی شدند.

یکی از موضوعات مهمی که فضای نشست را تحت تأثیر قرار داد، تأکید ویژه بر خطر تغییرات آب‌وهوایی جهان به علت بهره‌برداری نادرست از منابع بود. از رویدادهای نسبتاً امیدوارکننده اجلاس این بود که شی جین‌پینگ و باراک اوباما، رؤسای جمهور چین و آمریکا مدارک مربوط به پیوستن کشورشان به معاهده جهانی پاریس برای مهار تغییرات اقلیمی را به صورت رسمی تقدیم بان‌کی مون کردند. آنها در عین حال از دیگر کشورها نیز خواستند تا هر چه سریع‌تر به معاهده پاریس بپیوندند تا امکان اجرایی شدن آن تا پایان سال ۲۰۱۶ فراهم گردد. تاکنون ۲۶ کشور به طور رسمی به معاهده پاریس پیوسته‌اند و برای اجرایی شدن آن لازم است ۵۵ کشور دیگر به این معاهده بپیوندند. اقدام چین و آمریکا در مقام دو قدرت اقتصادی بزرگ که حدود ۴۰ درصد گازهای گلخانه‌ای جهان را تولید می‌کنند، حرکتی مثبت جهت کنترل روند گرمایش زمین تلقی شد. اعضای دیگر گروه ۲۰ نیز غالباً در راستای ضرورت همکاری بیشتر در این زمینه اعلام موضع کردند.

در این گزارش، به ابعاد مختلف نشست اخیر در چین پرداخته می‌شود. با توجه به مواضع هژمونی‌طلبانه رئیس‌جمهور چین در این نشست، نگاه ویژه‌ای به سیاست‌های این قدرت نوظهور خواهد شد.

مسائل اساسی مورد بحث در نشست

چنان که انتظار می‌رفت، مباحث اصلی جلسه به‌طور عمده به بررسی و اعلام موضع در مورد الزامات بهبود اقتصاد جهان اختصاص داشت. همه اعضا روی یک نکته توافق داشتند و آن اینکه برای برون رفت از تنگنای فعلی اقتصاد جهان یا ساماندهی بهتر به آن، تفاهم و همکاری بین‌المللی ضرورت دارد. در موضع‌گیری‌های علنی شرکت‌کنندگان نیز تمایل به همکاری محسوس بود، هر چند که اعلام هماهنگی بر سر اصول کلی به معنی همسویی در سیاست‌های عملی نبوده و نخواهد بود. در بیانیه پایانی نشست، اعضا ضمن پذیرش واقعیت‌کنند شدن رشد اقتصاد جهان و ضرورت روان‌سازی آن، بر سر یک سیاست کلی درازمدت اعلام توافق کردند. آنچه به «اجماع

هستند. حتی کشورهای توسعه یافته نیز از گزند این مسئله، مصونیت کامل ندارند. چنان که در سال گذشته، آن گونه که در قضیه افشای اسناد پاناما نمایان شد، سران برخی کشورهای توسعه یافته جهان نیز به اقداماتی چون فرار مالیاتی و پول شویی دست زده‌اند. مشخص نیست اعلام موضع تشکل‌هایی چون گروه ۲۰ مبنی بر ضرورت مقابله با فساد تا چه حد به تعهد عملی اعضا جهت مبارزه جدی‌تر با فساد منجر خواهد شد.

در کنار موضوعات فوق‌الذکر - که مسائل کلان جهان کنونی به شمار می‌آیند - نکات مشابه دیگری مثل بحران پناهجویان و جنگ داخلی سوریه مورد اشاره قرار گرفتند که در مورد آنها نیز به اعلام مواضع کلی بسنده شد و راه‌حل مشخصی ارائه نگردید. در نشست‌های حاشیه‌ای نیز مذاکراتی صورت گرفت که بیشتر روی موضوعات جزئی‌تر تأکید داشتند. برای مثال، رجب طیب اردوغان طی دیدارهایی با سران کشورهای غربی در مورد مسائل مختلف اخیر در منطقه خاورمیانه گفتگو کرد که نتیجه مشخصی از آن اعلام نشد. ترزا می، نخست‌وزیر جدید بریتانیا نیز دیدارهایی با سران کشورهای اروپایی و غیراروپایی داشت که موضوع آن بیشتر بر روی نحوه خروج کم‌هزینه کشورش از اتحادیه اروپا متمرکز بود. محمد بن سلمان، نماینده عربستان سعودی ضمن پیگیری مذاکره با نمایندگان کشورهای صادرکننده نفت بالاخص روسیه، تلاش کرد تا نظر مثبت آنها راجع به طرح خرید نفتی را جلب کند که نتیجه‌ای از آن حاصل نشد. گفته می‌شود ولادیمیر پوتین ضمن اعلام این مسئله که در خصوص مسئله فریز نفتی مایل به همکاری با عربستان است، اعلام کرد که می‌توان ایران را در این زمینه مستثنی کرد. با این حال، نماینده عربستان باز هم تأکید کرده که تا زمانی که کلیه کشورهای اوپک به این طرح نپیوندند، امکان اجرایی شدن آن وجود ندارد. موضوع قابل توجه دیگر اینکه، برخی نمایندگان اروپا از چین خواستند تا صنایع تولید فولاد خود را محدود کند تا صنایع فولاد در اروپا و دیگر نقاط جهان از روند جاری متضرر نشوند. ظاهراً قرار شده انجمنی جهانی برای کنترل بازار فولاد در دنیا تشکیل شود که کار نظارت بر تولید این ماده را بر عهده بگیرد و اجازه ندهد این فلز بیشتر از نیاز بازار تولید شود. چین و هند تمایل چندانی به این طرح ندارند، چرا که بیشترین تولید مازاد فولاد در این دو کشور انجام می‌شود. این‌ها و مذاکرات متعدد دیگری که در حاشیه اجلاس بین‌اعضای

ضرورت مقابله جدی‌تر و مؤثرتر با تروریسم موضوع دیگری است که در مورد آن اتفاق نظر وجود داشت. اعضا در بیانیه پایانی تصریح کردند که بر همبستگی و عزم خود در مبارزه با انواع مختلف تروریسم در هر نقطه از جهان تأکید دارند و در برابر تمامی روش‌های تأمین منابع و کانال‌های تأمین مالی تروریست‌ها از جمله مالیات اجباری، قاچاق منابع طبیعی، دزدیدن دارایی‌های بانکی، تاراج دارایی‌های فرهنگی و آدم‌ربایی مقابله خواهند کرد. آنها اعلام کردند که در مبارزه با تروریسم به همکاری اطلاعاتی، مسدودسازی اموال تروریست‌ها و مجازات‌های مرتبط با تروریسم روی خواهند آورد. البته چنان که قبلاً اشاره شد، این گونه موضع‌گیری‌های همکاری طلبانه بیشتر بر روی اصول و موضوعات کلی است و در مورد جزئیات اختلافات بسیار وجود دارد. برای مثال، عربستان سعودی به عنوان یکی از اعضای گروه ۲۰ پیگیر سیاست‌هایی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام است که از نگاه بسیاری از ناظران به گسترش افراط‌گرایی و تروریسم انجامیده است، اما در نشست اصلی گروه ۲۰ چنین مسائلی مورد بحث قرار نگرفت.

موضوع دیگری که در نشست اخیر بر آن تأکید شد، مسئله شیوع فساد و آثار مخرب آن بر اقتصاد جهان بود. شرکت‌کنندگان از ابتکار عمل دولت چین در ایجاد مرکز تحقیقاتی با هدف بررسی راه‌های مبارزه جهانی با فساد استقبال کردند. این اتفاق در حالی روی داد که بسیاری از شرکت‌کنندگان از جمله خود چین به فساد گسترده در سیستم اقتصادی خویش متهم

گروه جریان داشت، بیشتر به حل و فصل مسائل فی‌مابین میل داشتند تا رسیدگی به مسائل کلان جهانی.

مواضع هژمونیستی دولت چین در نشست

اجلاس هانگژو یکی از رویدادهای مهم در تاریخ دیپلماسی چین به حساب می‌آید. پکن تلاش داشت تا با نمایش یک میزبانی با شکوه، جلوه ویژه‌ای به نقش و جایگاه خویش در جامعه جهانی بدهد. میزبانی این رویداد بین‌المللی با این درجه از شکوه و جلال، یادآور میزبانی پر زرق و برق بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن بود. اما مهم‌تر از شکوه ظاهری میزبانی، خواسته‌ها و مواضع دولت چین جلب توجه بیشتری کرد. مقام‌های پکن در این نشست نشان دادند که از نمایش نقش یک قدرت اقتصادی مسئول - که طی دهه‌های اخیر بر آن تأکید داشته‌اند - فراتر رفته و اصرار دارند خود را به عنوان محوری فکری در حکمرانی جهانی معرفی کنند. اظهارات رئیس‌جمهور چین در نشست، بر دو موضوع تمرکز داشت: اول اینکه، چین قادر است مشکلات اقتصادی خویش را ترمیم کرده و وارد فاز جدید و باکیفیت‌تری از رشد و رونق شود و دوم اینکه، چین مروج الگویی از رشد و توسعه است که می‌تواند الهام‌بخش دیگر کشورهای جهان باشد.

رئیس‌جمهور چین در تبیین سیاست این کشور برای مقابله با روند کند شدن رشد اقتصادی خویش بر اصلاح سیاست‌های اقتصادی طبق شرایط جدید تأکید کرد. وی هسته اصلاحات جدید را در گرایش به نوآوری بیان کرد. رشد چین طی دهه‌های گذشته به‌طور عمده نتیجه گسترش کمی تولیدات بود. چینی‌ها اخیراً به این نتیجه رسیده‌اند که کمی‌گرایی در تولید حتی با وجود پایین بودن قیمت محصولات، پاسخ‌گوی استلزامات کنونی جهان نیست. به همین دلیل، گرایش به کیفیت از طریق تمرکز بر نوآوری تقویت شده است. بسیاری از بخش‌های اقتصاد چین به رغم بزرگی در اندازه، از رقابت‌پذیری کافی در عرصه بین‌المللی برخوردار نیستند. این مدل رشد در جهان کنونی آینده درخشانی ندارد. بنابراین، ساختار اقتصادی چین نیازمند تعدیل و اصلاح است. دولت چین پینگ برای جبران این مسئله به استراتژی توسعه اقتصادی نوآوری محور روی آورده است. برنامه این است که از طریق سرمایه‌گذاری روی تحقیقات علمی و تکنولوژیک، استانداردهای کیفی تولیدات چینی ارتقا پیدا کند. نوآوری نه تنها به ارتقاء کیفی

و رقابت‌پذیری محصولات می‌انجامد، بلکه استانداردهای زیست‌محیطی آنها را بهبود می‌بخشد. بنابراین، چین قادر خواهد بود ضمن عرض اندام قدرتمندانه‌تر در بازارهای جهانی، به الگویی برای ایجاد اقتصاد و صنعت زیست‌محیطی تبدیل گردد.

رئیس‌جمهور چین تصریح کرد که کشورش تاکنون برای پیشبرد توسعه خویش از جامعه بین‌المللی و کالاهای عمومی آن بهره برده و حال آماده است فعالانه کالاهای عمومی بیشتری برای جامعه بین‌المللی فراهم کند. کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ از جمله کالاهایی هستند که وی از آنها نام برد. چین پینگ از الگوی چینی توسعه به مثابه الگویی جدید یاد کرد که می‌تواند برای کشورهای دیگر جهان راهگشا باشد. در این الگو، اهمیت بالایی به برابری و انصاف داده می‌شود. از آنجا که مردم موتور رشد و توسعه کشور هستند، لازم است سهم منصفانه‌ای از عواید رشد و توسعه را داشته باشند. بنابراین، توسعه اقتصادی چینی یک الگوی مردم‌گراست. از سال ۱۹۷۸ که اصلاحات اقتصادی چین آغاز شد، بیش از ۷۰۰ میلیون نفر از مردم چین تاکنون از فقر رهایی پیدا کرده‌اند. در جهان کنونی که بیش از یک میلیارد نفر در فقر شدید به سر می‌برند، دولت‌ها نیازمند تدابیری هستند که الگوی چینی توسعه می‌تواند در این زمینه الهام‌بخش باشد. براساس خط مشی دولت چین، سیاست‌های نئولیبرالی نهادهای بین‌المللی جهانی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نمی‌توانند کارایی مورد انتظار را در پی داشته باشند. این نهادها در حالی به دنبال تحقق رؤیای جهان‌عاری از



اصل برابری در عرصه جهانی تلاش کند. مقابله با فقر و نابرابری نیاز و هدفی است که جهان کنونی با جدیت به دنبال آن است. کلیه ملت‌ها باید از حقوق و فرصت‌های برابر برای شکوفاسازی استعدادهای خویش برخوردار باشند و این حاصل نخواهد شد مگر از طریق همکاری و همفکری جهانی. سیستم حکمرانی جهانی باید برای ورود به این مسیر زمینه‌سازی کند.

رئیس جمهور چین در بخش‌های پایانی سخنرانی‌اش، مواضع انتقادی خویش از جهان غرب را پررنگ‌تر کرد. وی تأکید کرد که به جای تلاش برای تفوق یا بازی همه چیز برای برنده و هیچ چیز برای بازنده، باید به تسهیم منافع و بازی برد-برد فکر کرد. بدیهی است که در عصر جهانی شدن اقتصاد، هیچ کشوری نمی‌تواند به صورت جزیره‌ای و جدا از بقیه به پیشرفت و توسعه برسد. اما در عین حال باید در نظر داشت که همه اعضای دهکده جهانی نیازمند آگاهی و توافق روی این نکته هستند که برای ساخت آینده‌ای بهتر برای بشریت نیازمند همفکری، همکاری و مشارکتند. این همان رمزی است که اعضای گروه ۲۰ را گرد هم آورده است؛ باید با کلیه کشورها اعم از بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، و ثروتمند یا فقیر رفتاری برابر صورت گیرد؛ باید کمک کرد تا اختلاف‌ها حل شده و شکاف‌ها تعدیل شوند؛ جهان تنها در صورتی به بهترین مکان تبدیل خواهد شد که همه در رفاه و آسایش زندگی کنند.

نکات فوق‌الذکر، مهمترین محورهای سخنان جین پینگ در اجلاس اخیر گروه ۲۰ بود؛ سخنانی که بار دیگر توجه رسانه‌های جهان را به تمایلات هژمونی طلبانه چین در عرصه جهانی جلب کرد. این مواضع یادآور مفهوم «اجماع پکن» (در برابر اجماع واشنگتن) است که در سال ۲۰۰۴ وارد ادبیات توسعه گردید. اجماع پکن مروج این نکته است که رشد شتابان و شگفت‌انگیز چین در کشورهای در حال توسعه دیگر نیز امکان وقوع دارد، البته به شرطی که از قید و بندهای خاص اجماع واشنگتن - که به شدت از آزادسازی و خصوصی‌سازی حمایت می‌کند - جدا شده و الگوی دولت‌گرای چینی را انتخاب کنند. تمایلات هژمونیستی دولت شی در حالی عرضه می‌شود که این کشور اخیراً به خاطر کاهش رشد اقتصادی‌اش در معرض انواع انتقادات قرار گرفته است. برخی ناظران بر آنند که دوران درخشان رشد چینی به سر رسیده و این کشور وارد دوره‌ای از رکود شده که ممکن است مدتها ماندنی باشد. شرایط رکودی چین آنها را به این جمع‌بندی رسانده که هیچ معجزه‌ای در

فقر هستند که سیاست‌هایشان اساساً مولد نابرابری و فقر است. این در حالی است که در الگوی توسعه چینی که قویاً مردم‌گرا و ضدفقر است، راه‌های مؤثرتری برای ریشه‌کنی فقر در عرصه جهانی وجود دارد. البته موارد فوق‌الذکر به معنی رویارویی چین با اقتصاد آزاد نیست. چین نه تنها مخالف اقتصاد آزاد نیست، بلکه یکی از دغدغه‌های جدی کنونی‌اش مورد تهدید قرار گرفتن تجارت آزاد است. شی در سخنرانی‌اش تصریح کرد که تجربه توسعه اقتصادی جهان نشان داده که بازبودن لازمه پیشرفت است و انزوای چیزی جز عقب‌ماندگی به دنبال ندارد. بنابراین، در جهان کنونی که سرعت رشد اقتصادی کاهش یافته، توسل به حرکت‌های حمایت‌گرایانه راه‌حل نیست. حمایت‌گرایی برعکس به تعمیق رکود می‌انجامد و نتیجه آن باخت-باخت است. چین قویاً به دنبال الگویی از حکمرانی جهانی است که مروج تجارت آزاد باشد. اما تأکید دارد که این الگو باید شمول‌پذیر و مردم‌گرا بوده و دغدغه ریشه‌کنی فقر را داشته باشد. برخی برآوردهای اخیر نشان می‌دهند که ضریب جینی جهان به محدود ۷۰ درصد رسیده که این بسیار بالاتر از سطح هشدار دهنده ۶ درصد است. سیستم حکمرانی کنونی نه تنها در ریشه‌کنی فقر ناموفق بوده، بلکه به جای کاهش نابرابری به افزایش آن دامن زده است. الگوی توسعه چینی توانسته اصول اقتصاد آزاد را به نحو شایسته‌ای با ارزش‌های مایل به ضدیت با فقر و نابرابری تلفیق کند. بر همین اساس، چینی‌ها اصرار دارند که لازم است حکمرانی جهانی کنونی خود را با تغییرات و مقتضیات زمان وفق داده و برای تقویت

کار نبوده و رشد چینی در نهایت محکوم به چنین سرنوشتی بوده است. حال، مواضع دولت کنونی چین واکنشی به این گونه‌تصورها و انتقادات قلمداد می‌شود. رئیس‌جمهور چین ادعا کرد که نه تنها از پس مشکلات اقتصادی برآمده و همه موانع را پشت سر خواهد گذاشت، بلکه همچنان برای الگوشدن تلاش خواهد کرد. وی مثل گذشته، الگوی توسعه نئولیبرال غربی را زیر سؤال برد و اظهار داشت که این الگو در جهان کنونی محکوم به زوال و شکست است.

جمع‌بندی

اجلاس سران گروه ۲۰ در حالی برگزار شد که جهان با نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی مختلفی درگیر شده و این درگیری نشست گروه را نیز تحت تأثیر قرار داد. اگرچه در مواضع کلی مشارکت‌کنندگان و بیانیه پایانی اجلاس نوعی اجماع و همسویی احساس می‌شود، اما در پس این جلوه‌ظاهری، اختلافات جدی پیچیده و متقاطع‌جریان دارد. چین در مقام میزبان اجلاس با تعدادی از اعضای گروه از جمله ایالات متحده، هند، ژاپن، استرالیا و بعضی کشورهای اروپایی به دلایل مختلف اختلاف دارد. اختلافات جدی دیگری بین روسیه و قدرت‌های غربی در جریان است که هنوز چشم‌انداز روشنی در مورد حل و فصل آن تصور نمی‌شود. ترکیه به‌ویژه در دوره پس از کودتا وارد فاز جدیدی از اختلافات با شرکای غربی‌اش شده است. میان قدرت صنعتی پیشرفته و اقتصادهای در حال ظهور بر سر نحوه سامان‌دهی به اقتصاد جهان اختلاف وجود دارد. حتی در درون این گروه‌بندی‌ها نیز ناهمسویی‌های چشمگیری وجود دارد که نمود آن را می‌توان در مشکلات پیشبرد مذاکرات تی‌تی‌پ (مشارکت تجاری و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیک) مشاهده کرد. بنابراین، اگر هدف نشست تعدیل اختلافات یا ایجاد یک جبهه واحد بر سر مسائل پیش رو باشد، باید گفت که چنین هدفی حاصل نشده و اساساً قابل انتظار هم نبوده است. چنان‌که از گزارش‌های مربوط به گفتگوهای حاشیه‌ای اعضا استنباط می‌شود، هر چه آنها مذاکرات را به چانه‌زنی بر سر مسائل جزئی‌تر سوق می‌دهند، ناهمسویی‌ها آشکارتر و مقاوم‌تر می‌شود.

شاید بتوان گفت دولت چین بزرگترین برنده این اجلاس بود و مقام‌های این کشور نیز در مورد نتیجه اجلاس چنین ارزیابی را ارائه کردند. اما این توفیق نه به دلیل توسعه تفاهم و همکاری بین اعضا، بلکه بیشتر به خاطر نمایش قدرت خود چین بود.

پکن از تریبون میزبانی خویش به مثابه فرصتی بزرگ برای به چالش کشیدن نظم اقتصادی حاکم بر جهان استفاده کرده و به موازات آن از استقرار الگوی توسعه چینی در سطح جهانی دفاع کرد. رئیس‌جمهور این کشور حاضر نشد در مذاکره با سران کشورها از جمله رئیس‌جمهور آمریکا سیاست‌های مناقشه‌انگیز خویش در موضوعات مختلف از جمله مسائل دریای چین جنوبی را تعدیل کند. وی حتی نفس انجام مذاکره بر سر دریای چین جنوبی را-با این استدلال که پکن فقط به حق حاکمیت سرزمینی خویش می‌اندیشد- زیر سؤال می‌برد، اما مصرانه غرب را مسئول اصلی فقر و نابرابری گسترده در عرصه جهانی معرفی کرد و راه نجات از آن را در انتخاب اصول و هنجارهای توسعه چینی ارزیابی کرد؛ موضعی که از نگاه بسیاری از رسانه‌های غربی، انحرافی و گمراه‌کننده تشخیص داده شد. از نظر بسیاری کارشناسان بیرونی، چین در حالی از برابری و رفاه همگانی صحبت می‌کند که خود در این زمینه کارنامه درخشانی ندارد. این کشور در حالی حمایت‌گرایی را محکوم می‌کند که خود قویاً بدان متهم بوده و در حالی از همکاری برای سرنوشت مشترک بشر دفاع می‌کند که خود را از بسیاری معضلات بین‌المللی از جمله جنگ سوریه دور نگه داشته است.

